

نشریه اسوه

دو هفته نامه سیاسی-مذهبی هیئت عاشقان ثارالله دانشگاه علوم پزشکی تبریز

امام موسی صدر:

"من حسینیهای را قبول دارم که قهرمانانی بی‌پرورد که با دشمن اسرائیلی بجنگند."



عطاالله عطایی

"عقیده بی فرجام"

فهرست

تنها چهار راهی که به یک

مقصد ختم می‌گردد

صفحه ۵۲

مسئولیت فرصت

هیئت طراز انقلاب

صفحه ۵۳

برنامه ریزی

سبک زندگی اسلامی

صفحه ۵۴

جوکر و آنارشيسم کور

صفحه ۵۵

پس اروپایی‌ها برای اینکه بتوانند برجام را برای منافع خود حفظ کنند ۱۱ تعهد به ایران دادند که هجده ماه بعد، سخنان روحانی در بهمن ۹۸ شرح حال خوبی از آن بیان می‌کند: «شما بعد از خروج آمریکا، مگر به ما یازده تعهد ندادید که به آن عمل کنید؟ به کدام یک از آنها عمل کرده‌اید؟ بی‌تردید وفای عهد، اخلاق، تاریخ و شرافت بالاتر از تعرفه ماشین است. انسان که شرافت و عهدش را به خاطر تعرفه زیر پا نمی‌گذارد!» بله! همان طور که پیداست اروپا برجام را به تعرفه‌های آمریکا بر خودروهای اروپا فروخته بود. البته دولت دست روی دست هم گذاشته بود و طی پنج مرحله اقدام به کاهش تعهدات خود در برجام کرد. البته اخلاق و شرافت در دنیای

ترامپ تا او راحت‌تر بتواند جلوی برداشته شدن تحریم تسلیحاتی ایران را بگیرد. در واکنش به این اقدام اروپا علی‌رغم، سخنگوی دولت، گفته که این قطعنامه قطعاً بی‌پاسخ نمی‌ماند. این اقدام اروپایی‌ها در حدود دو سال پس از خروج آمریکا از برجام در اردیبهشت ۹۷ صورت می‌گیرد، همان روزی که روحانی گفت مزاحم توافق (!!!) رفت و از این پس توافق بین پنج کشور دنیا ادامه دارد و به ظریف دستور داد طی تنها چند هفته سازوکارهایی با طرف اروپایی به دست آورند که منافع ایران در برجام حفظ شود. هر چند با توجه به وابستگی شدید کشورها و مخصوصاً شرکت‌های بزرگ اروپایی به آمریکا رسیدن به چنین چیزی نزدیک به محال بود.

هفته پیش بود که بعد از ۸ سال که هیچ قطعنامه‌ای علیه ایران تصویب نشده بود، قطعنامه سه کشور اروپایی-انگلیس، فرانسه و آلمان- علیه ایران توسط شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی علی‌رغم مخالفت چین و روسیه تصویب شد. در این قطعنامه به ایران توصیه می‌شود که در تمامی مکان‌هایی که برای آژانس مشکوک محسوب می‌شوند همکاری کند. اخیراً آژانس به دو مکان تورقوزآباد (همان جایی که بعد مطرح شدن توسط نتانیاهو مایه خنده فعالین مجازی شد) و آباده مشکوک شده و درخواست بازرسی‌های بیشتری از این دو مکان کرده‌است. این قطعنامه هرچند توصیه‌ای بود ولی شاید بتوان گفت جاده صاف‌کنی است برای قطعنامه‌های احتمالی بعدی و یا پاس گلی از اروپا به



تنها چهارراهی که به یک مقصد ختم می‌گردد

نجات اسلام راستین

۱۱

داوود قوی



علی، از درخشنده ترین سالهای حکومت اسلامی به شمار میرود. روش های انسانی و عدالت مدارانه ای که با رعایت ابعاد گوناگون اسلام و با

ادامه دهنده دوره قبل ولی در برنامه های درازمدت است، در دو قرن به درازا کشید. مهم ترین خصوصیت این دوره که اتفاقاً کم تر هم مورد توجه قرار گرفته است عنصر «مبارزه حاد سیاسی» میباشد که از نیمه دوم قرن اول هجری در پاسخ به آمیختگی اسلام به سلطنت، آغاز و بزرگ ترین هدفش تشکیل نظام اسلامی راستین یا علوی بود. زمینه سازی ها و مبارزات پنهان و آشکار اهل بیت بعد از حادثه عاشورا نیز بنا بر همین مقصود صورت پذیرفت. مجاهده هایی که باعث شد اهل بیت و شیعیان آن ها به عنوان بزرگترین دشمنان دستگاه خلافت، همیشه زیر تیغ ظلم و جور به سر برند اما در نهایت این انسان ۲۵۰ ساله، هوشمندانه، شجاعانه و عاشقانه در مقابل این توفان سخت ایستاد و جریان کوچک ولی عمیق و تند تشیع را از لابه لای گذرگاه های دشوار به سلامت عبور داد.

چاشنی قاطعیت و جرأت همراه میگردد، الگویی شد برای دو قرن دعوت و تلاش معصومین بعدی، حسرت شیعیان بر از کف رفتنش و سرکوب و ستمگری بیش از پیش غاصبان خلافت که هنوز تجربه تلخ رهبری خاندان پیامبر را زیر زبان داشتند. دوره سوم از صلح امام حسن در سال چهل و یک آغاز و تا حادثه شهادت امام حسین در سال شصت و یک به پایان رسید. در این بیست سال شیعیان به طور نیمه مخفی برای بازگرداندن قدرت به خاندان پیامبر مشقت ها کشیدند که البته به بار نشستن آن ها مخصوصاً پس از مرگ معاویه، دور از دسترس هم نبود. بنابراین میتوان دوره سوم را «دوره تلاش سازنده کوتاه مدت برای ایجاد حکومت و رژیم اسلامی» نامید. در نهایت چهارمین دوره که

سنگین تر می نماید. پس دودستگی و اختلاف میتواند همچون طوفانی این نهال نوپا را تهدید و حتی ریشه کن کند و اصل اسلام را به خطر اندازد. همچنین زاویه انحراف از حقیقت آنچنان فاحش نیست که شخصی چون امیرالمؤمنین که خود در راه جوانه زدن اسلام خون دل ها خورده است، به میدان مقابله بیاید. حقایقی که از نامه حضرت به مصریان در سالهای خلافت خود، آشکار میشود: «نخست از همه جریانها کناره گرفتم تا آن که دیدم گروه هایی از اسلام رجعت کرده و به نابودی اسلام دعوت میکنند. بیم آن بود که اگر اسلام و مسلمانان را یاری نکنم، در اسلام رخنه یا ویرانی ای پدید آید که خسارت آن از موضوع از دست دادن خلافت عظیمتر باشد. این بود که بهیخواستم و کمر بستم.» با این وجود و با همه عزلت نشینی و انزوایی که بر ایشان روا داشتند، حضرت از هیچ کمک و حمایتی به اسلام و جامعه مسلمانان دریغ نکردند و خلفای زمان نیز از راهنمایی ها و پاسخهای ایشان بی بهره نبودند. نهج البلاغه و دیگر کتب حدیث و تاریخ، خود گواه محکمی بر این ادعاست. دوره دوم، دوره خلافت چهارسال و نه ماهه امیرالمؤمنین و چندماهه حسن بن

در شماره قبل مطرح شد که تفاوت در شیوه مبارزه سیاسی امامان دلیلی بر تناقض و تعارض آنها نیست. بلکه به عنوان یک حرکت مستمر و واحد در قالب یک انسان ۲۵۰ ساله هدفی یکسان را دنبال نمودند و در واقع این شرایط جامعه اسلامی بود که امام معصوم و حکیم را وادار به جهت گیری و مبارزه متفاوت می نمود. جریان امامت از روز نخست پس از رحلت پیامبر، یعنی ماه صفر سال یازدهم هجری تا وفات امام حسن عسکری در ربیع الاول دویست و شصت هجری، در بطن جامعه اسلامی ادامه یافت. جریان یا مبارزهای ۲۵۰ ساله که در نگاه کلان به چهار دوره تفکیک میگردد. در این شماره به بررسی اجمالی این چهار دوره و در شماره های بعدی به امید خدا به خط مشی هر کدام از آن بزرگواران، به طور مجزا، دقیق و عمیق میپردازیم.

در دوره اول، امام در برابر این قدرتها به سکوت و حتی همکاری دست میزنند؛ چراکه خود را مسئول جامعه تازه متولد شده اسلامی می بینند؛ جامعه ای که از یک طرف با دشمنان زخم خورده خارجی و از طرف دیگر با قدرت طلبان داخلی روبروست. در این میان خطر گمراهی عناصر تازه مسلمان نیز مسئولیت امام را

ادامه ی سر مقاله

را رها کند بلکه آن را گزینه اضافی «اگر شد، شد. نشد، نشد.» نگاه کند. ثانیاً (و مهم تر از قبلی)، از دولت و سایر امیدواران به غرب نمی خواهیم تاریخ گذشته را بخوانند، بلکه تنها به تجارب خود در قسمتی از تاریخ که در دست آنان بوده نگاه کنند و محض رضای خدا نه تنها «تغییر راهبرد» بلکه «تغییر عقیده» بدهند. زیرا قبل از اینکه این برجام «برجام بی فرجام» باشد، این عقیده، «عقیده بی فرجام» بود.

کودتا با همدستی هردو علیه او شد، اینجا هم خیال ایستادن جلوی آمریکا با کمک انگلیس رویایی بیش نبود. حرف آخر ما در این یادداشت این است، اگر واقعا به گفته سخنگوی دولت قطعنامه بی پاسخ نخواهد ماند، پس عجلتاً این موارد را در اولویت قرار دهند: اولاً، اگر دولت از آمریکا در ۱۸ اردیبهشت ۹۷ ناامید شده است، از اروپا نیز ناامید بشود. (هر چند بعضی ها هنوز به آمریکا هم امید دارند)، نه به این معنا که دیپلماسی

توافق ترامپ با برجام داده شد که شدیداً از طرف ایران رد شد. به هر حال این امید دولت به کشورهای اروپایی-که حتی خود روحانی گفته بود: «اروپایی ها آقا اجازه هستند و آمریکا کدخداست؛ بستن با کدخدا راحت تر است.»- همان طور که دهه هشتاد و قبل ترها نیز نشان داده بود، آمیدی پوچ بود؛ زیرا همان طور که پناه مصدق در ۱۳۳۲ به آمریکا به امید ایستادن جلوی انگلیس جواب نداد بلکه منجر به

دیپلماسی مخصوصاً از غرب انتظار نمی رود و تنها تضمین های عملی از اروپا که رهبر انقلاب تنها یک روز پس از خروج آمریکا توصیه کردند راهکار خوبی بود. یا اگر واقعاً اروپا خواستار بقای برجام بود، می بایست در اعتراض به نقض قطعنامه ۲۲۳۱ سازمان ملل توسط آمریکا با خروج از برجام، علیه آمریکا قطعنامه ای را به شورای امنیت می برد؛ که نه تنها این کار را نکرد بلکه با وقاحت پیشنهاد جایگزینی



مسئولیت

فرصت

علی کمالی

برای خادمان هیئت چرا که بناست مجلسی بر اساس قرآن و سنت برگزار کنند. امیدست در این انس‌گیری فقط به روخوانی ظاهری قرآن اکتفا نشود.

مورد چهارم پرهیز از کارها و گفتارهاییست که موجت تشدید اختلافات مذهبی می‌شود که اگر در هیئتی در مسیر تفرقه‌افکنی حرفی گفته شود، مطمئن باشید که خواه یا ناخواه در پازل دشمن بازی می‌کنند. خالی از لطف نیست که نگاهی گذرا به نامه مس بیل، مشاور فرستاده انگلیس به عراق، داشته باشیم که به پدرش نوشته بود «ما در معرض هرج و مرج شدیدی قرار داریم و احساس نگرانی می‌کنیم. تندروها روشی به کار گرفته‌اند که مبارزه با آن سخت است: این روش همان وحدت بین شیعه و سنی است، یعنی وحدت بین (امت) اسلام، آن‌ها از این مسئله به بدترین وجه سوءاستفاده می‌کنند.» مورد آخر هم اینکه هیئت باید فاصله مخاطب با کتاب را کم کند؛ چرا که کتاب اصلی‌ترین راه برای انتشار و تقویت مبانی و فرهنگ هر جریان فکریست. اما در کشور ما این فرهنگ‌سازی جای کار بسیار دارد و حتی اگر سخنران از روی کتاب در حد چند خط هم بخواند، باز بر عادت دادن مخاطب به کتاب و فرهنگ کتابخوانی بی‌تأثیر نخواهد بود.

آن، جانشان را کف دست گرفتند و مصیبت کشیدند و حوادثی مانند روز عاشورا را رقم زدند. پس اول از همه باید از این فرصت برای ترویج معارف دین، برای سوق دادن نسل جوان به عمل دینی و برای تبدیل‌شان به انسان‌های کارآمد و بارآوده استفاده کرد.

سؤال دوم هم اینکه برای استفاده از این فرصت فوق‌العاده باید چه نکاتی ظریفی را مد نظر قرار دهیم؟ در پاسخ چندین نکته عملیاتی به نظر می‌رسد، اولین و مهم‌ترین نکته این که مطالب و محتواهای هیئات باید بر مبنای نیازهای مخاطب برای پاک زیستن با سبک زندگی اسلامی و به معنای واقعی کلمه برای مسلمان شدن پایه‌گذاری شود. به عنوان مثال می‌توان به تفسیر مکارم‌الاخلاق، ترویج اتحاد ملی و حس ایثار و برادری پرداخت.

دومین مورد اینکه باید در هیئات، محتواهای شایسته و منحصربه‌فرد (در هر قالب و ترکیبی) وجود داشته باشد. آن طور نباشد که مدح و روضه و سخنرانی‌ها با حرف‌های بی‌اساس و کم‌اعتبار آمیخته شود و فضای تخیلی خارج از حقیقتی برای مخاطب رقم بزند و در واقع تبدیل به خرافه‌گویی و افسانه‌سرایی شود.

مورد سوم، انس با قرآن و حدیث در این محافل بیشتر شود. این انس هم برای مخاطبان هیئت لازم است و هم

در شماره‌های پیشین راجع به جوامع مسلمان و مخصوصاً شیعه قلم زدیم و از مجالس و هیئات مذهبی به عنوان امتیاز خاص نام بردیم که این امتیاز در اکثر جوامع و مکتب‌های جهان امروزی نمونه‌ای نداشته و ندارد. حال بعد از حدود ۱۴۰۰ سال شاهد آن هستیم که این مجالس عزا پرشورتر از دیروز در جوامع جهانی رواج پیدا کرده و ریشه‌دار شده است مخصوصاً بعد از پیروزی انقلاب اسلامی که سفره‌عزاداری برای اهل بیت (ع) را بیشتر گسترانیده شد به طوری که امروزه افراد زیادی در سرتاسر کشور و حتی جهان با استفاده از ذوق و هنر، در این عرصه وسیع مشغول فعالیت هستند و این مجالس را تبدیل به فرصتی جدی برای عاشقان اهل بیت (ع) کرده‌اند. البته هر فرصتی با یک مسئولیتی همراه است؛ وقتی شما نتوانید کسی را مخاطب خود قرار دهید، مسئولیتتان در یک حد است؛ ولی وقتی توانستید برای خود مخاطب بگیرید، طبعاً فزاینده‌تر از حد شخصی و به اندازه حوزه توان طرف مقابل، مسئولیت گسترش پیدا می‌کند.

اما سؤال اول این که چگونه می‌توان از این فرصت بهترین استفاده را کرد؟ مهم‌ترین پاسخ می‌تواند تبلیغ معارف دین باشد؛ چراکه تبلیغ همان چیزی ست که این نشانه‌های عظمت و فضیلت عالم برای خاطر

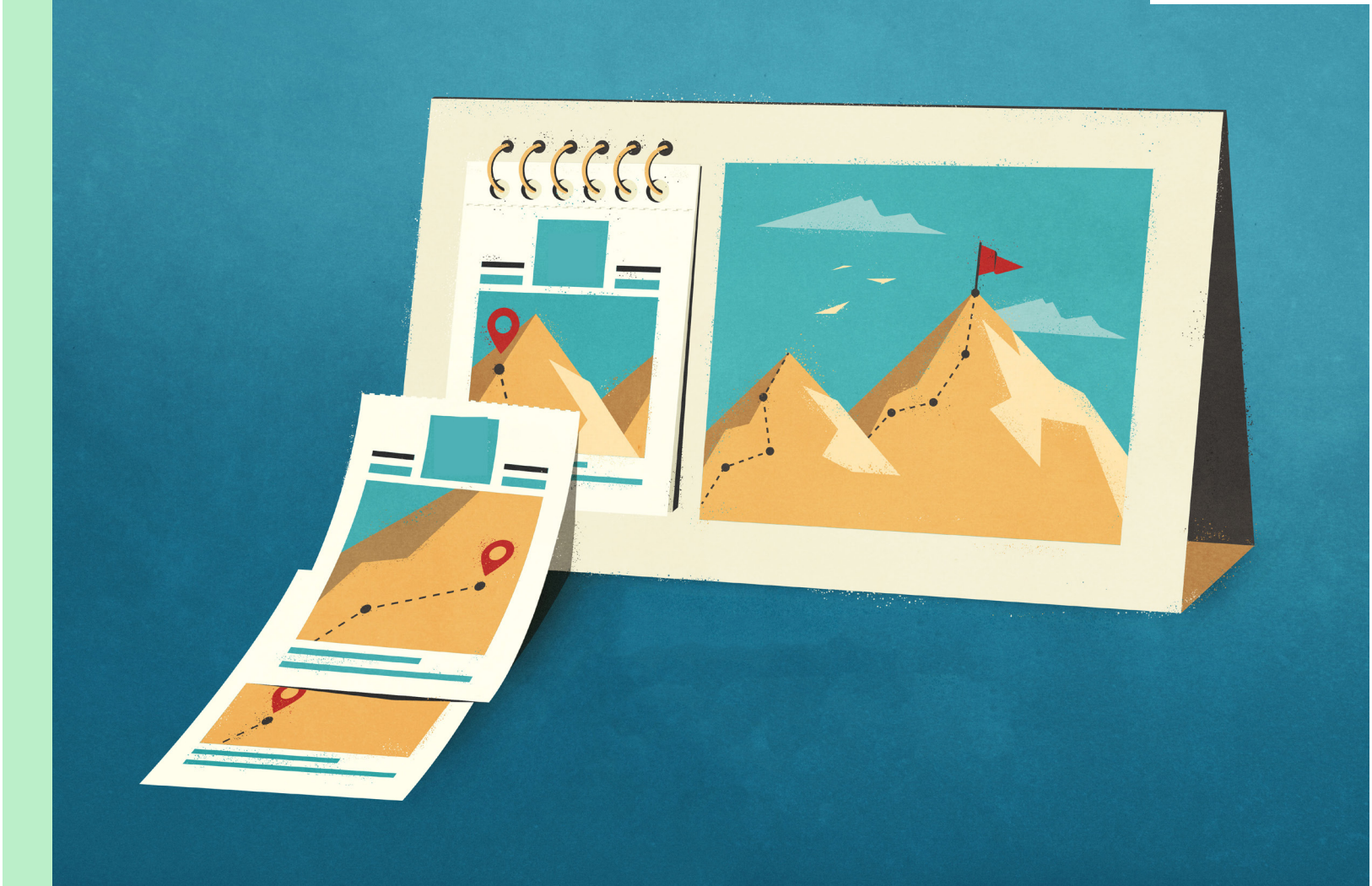
”قطب نما“

علی اسدی جلودار

«قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي وَسُبْحَانَ اللَّهِ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ»

یوسف/۱۰۸

جامعه صاحب بصیرت، در پرتوی هدایت‌های پیشوا و رهبرش حرکت می‌کند و بیگانگان، بدخواهان و وطن‌فروشان جامعه را تشخیص می‌دهد و دستاویز آنان برای رسیدن به اهدافشان نمی‌شود. مردم بصیر در پی فرار از سختی‌ها نیستند بلکه با آن می‌جنگند. چنین جامعه‌ای به دشمنانی که برای منصرف کردن ایشان از هویت ایرانی-اسلامی‌شان آسایش ندارند، پاسخ کوبنده می‌دهد. مسلماً این پاسخ با تلاش بی وقفه تمام اقشار جامعه خصوصاً قشر دانشجو که آینده درخشان کشور هستند میسر می‌شود.



برنامه ریزی

سید محمد موسوی

تأمین معاش، ساعتی برای همفکری و همدلی و مشورت و گفت و گو با برادران مورد اعتماد و کسانی که شما را به عیوبتان واقف می‌سازند و در باطن نسبت به شما خلوص و صفا دارند و ساعتی را به تفریحات و لذائذ خود اختصاص دهید و از مسرت

و نشاط ساعت تفریح نیروی انجام
وظائف ساعات دیگر را تأمین نمائید.»
نوجه به این نکته هم خیلی مهمه
که توی کارهاتون اهم و مهم داشته
باشید. ما نمی‌تونیم به همه کارهایی
که مد نظر داریم بپردازیم چون
که وقتمون برای همه کارها کفاف
نمیده؛ پس لازمه که بدونیم کدوم
کار رو الان و کدوم کار رو بعداً باید
انجام بدیم. امام علی(ع) هم در این
بحث می‌گه: «کسی که به کارهای
گوناگون پردازد خوار شده پیروز
نمی‌گردد.»

و نکته آخر اینکه آرمان‌گرا نباشید
و متناسب با وقت و توانایی خودتون
برنامه‌ریزی کنید. در غیر این صورت
نمی‌تونید اون برنامه‌ریزی رو عملی
کنید و قوه ارادتون (که خیلی مهمه)
مخدوش میشه.

با برنامه‌ریزی در زمانش انجام ندادی
دچار حزن و اندوه می‌شوی. در این
باره پیامبر اکرم (ص) فرمود: «إِضَاعَةُ
الْفُرْصَةِ غَضَّةٌ ضَايِعٌ كَرْدَنِ فَرْصَتِ (در
مسیر غیر صحیح) غَصّه می‌آورد»
حالا که دلمون با کلام نورانی معصوم
منور شد یه تعداد نکته در مورد
برنامه‌ریزی براتون می‌نویسم.
اول اینکه از تجربیات خودتون
تو گذشته و صد البته تجربیات
اطرافیان‌تون استفاده کنید چرا که
مولای علی (ع) می‌فرمایند: «تجربه‌ها
بهترین آموزگارند.»

دوم نوع تقسیم بندی زمان هست که نباید نه از این ور بوم افتاد نه از اون ورش. امام رضا (ع) درباره می‌فرمایند: «کوشش نمائید اوقات روز شما چهار قسمت باشد؛ ساعتی برای عبادت و خلوت با خدا، ساعتی برای

«با برنامه‌ریزی همه این‌ها عملی میشه.» بله ما با برنامه‌ریزی صحیح می‌تونیم به همه کارهایمان برسیم و هیچ موقعی، وقت کم نداریم.

بعد از اینکه اهمیت برنامه‌ریزی رو احساس کردین، می‌خوام براتون از کلام نورانی معصومین شاهد بیارم تا به اهمیت برنامه‌ریزی ایمان بیارین.

حضرت علی(ع) به امام حسن(ع) و امام حسین(ع)، (و همه فرزندان و هر کسی که وصیت‌نامه حضرت به دستش میرسه) وصیت کرد: «اوصیکما...بتقوی الله و نظم امرکم: شما دو نفر را به تقوای الهی و نظم و برنامه‌ریزی در کارها سفارش می‌کنم.» در این زمینه رسول خدا(ص) فرمود: «الامور مروهنة باوقاتھا: هر کاری در گرو زمان خودش است.»

از طرفی، اگر برای کاری فرصت داری و

در نشریه شماره قبلی به قوه اراده اشاره و راه‌های تقویتش رو گفتیم. در این شماره قراره درباره برنامه‌ریزی حرف بزنیم.

حتماً این الفاظ برای شما اشناست: «فلانی چون تو بسیج فعالیت می‌کنه نمراتش افت کرده»، «هیئت نرو درست عقب میفته»، یا «اینکه من کار دارم نمی‌تونم بیام جلسه سخنرانی». همه این‌ها یک مفهوم مشترک دارن که ما نمی‌تونیم در کنار درس و دانشگاه به کارهای دیگه‌ای مشغول بشیم. اما ما در اطرافمان می‌بینیم کسانی هستند که هم در دانشگاه خوب درس می‌خوانند و هم به کارهای دیگه مثل ورزش و مجالس مذهبی میرسن. وقتی از این دسته دانشجویان نحوه این کارهاشون رو می‌پرسیم جواب میدن:



“جوکر و آنارشیزم کور”

هادی پایدار

طور کلی تم‌های خودش را از جامعه اخذ می‌کند و سینما و سینماگر آن‌ها را پرورش می‌دهد و در قالب فیلم و سریال با مختصات فرمی و خاص خودش می‌ریزد. بعد از پرورش در قالب فیلم، به جامعه بر می‌گرداند و دیالکتیک فضای اجتماعی از یک سو و فیلم و فیلمسازان از سوی دیگر به وجود می‌آید که تأثیرگذاری فیلم در

قهرمان دلکششان. فارغ از تحلیل فنی فیلمنامه اثر و تکنیک کارگردانی آن، در این مقاله قصد داریم به جنبه‌های جامعه‌شناسی و سیاسی فیلم بپردازیم. «جورج هواکو» مؤلف و نظریه‌پرداز غربی در نظریه‌ای در مورد جامعه‌شناسی سینما معتقد است که سینما به عنوان یک مدیوم یا رسانه جدی، تم‌های اجتماعی، فرهنگی و به

تاریک و بسته سینما که بعد از تماشا و در جامعه‌ها می‌سازند. باید در زمره فیلم‌هایی قرار داد که برای تماشا نیستند؛ بلکه جهانی ماوراء خودآگاه ما خواهند ساخت که نمی‌توانیم از آن فرار کنیم. شاید کسی در آن زمان نمی‌توانست درک کند چه جهانی بعد از فیلم آفریده خواهد شد اما وقتی این روزها به تظاهرات مردم آمریکا

۳۱ اوت ۲۰۱۹ بود که منتشر شد و هیاهوی عجیبی در دنیا به راه انداخت. با اینکه آمریکا در سال حدود ۹۰۰ فیلم ساخته و روانه بازار می‌کند فقط تعداد انگشت‌شماری از آن‌ها باید دیده‌شوند و به عبارتی دیگر خواسته و اراده کمپانی‌های بزرگ فیلم‌سازی هالیوود است که دنیا مجبور به تماشای برخی از آن‌هاست. سرمایه‌داران و صاحبان کمپانی‌های فیلم‌سازی که خودشان در وال‌استریت حساب مالی دارند و یا صاحبان کارخانه‌های اسلحه‌سازی‌اند. عموم این افراد یهودی و از اصلی‌ترین افراد شاخص در نظام سرمایه‌داری ایالت متحده آمریکا حساب می‌شوند و در این اندیشه‌اند تا افکار و آرمان‌های بشریت را کانالیزه کرده و آن‌ها را در لباس «رویای آمریکایی» در آورند، و تا حد زیادی هم موفق شده‌اند. جوکر را هم باید در زمره فیلم‌هایی قرار داد که دنیای خودش را نه در سالن‌های

که با مرگ وحشتناک جورج فلوید، سیاه‌پوست آمریکایی، کلید خورد و اکنون در سراسر ایالت‌های آن تسری یافته‌است، نگاهی می‌اندازیم، صحنه‌های مشابهی در ذهن ما تجسم می‌یابد که گویی آن‌ها را جایی دیده‌ایم؛ آری، در سکانس پایانی فیلم جوکر و صحنه‌هایی از اغتشاش عمومی در حمایت از





اینجا معنا پیدا می‌کند. یکسری تم‌هایی در عرصه اجتماع وجود دارد که اساساً در مایه ساخت فیلم‌های سینمایی استفاده می‌شود و بعد از آن با تأثیرگذاری بیشتری در جامعه مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد. در مورد فیلم جوکر نیز همین اتفاق افتاده است و آن چیزی که روزی به عنوان آشوب و آناشیسیم در جامعه وجود داشته به درون فیلم آمده است و بعد از آن دوباره به جامعه بازگشت پیدا کرده است اما با تأثیرگذاری دوجندان؛ قطعاً در مورد این فیلم نیز همین اتفاق افتاده است.

در واقع، سازندگان فیلم برآنند تا اعتراضات مدنی مردم آمریکا که برخاسته از حس آزادی‌خواهیشان برضد نظام نئولیبرالیسم حاکم در این کشور است، به نوعی به سمت هرج و مرج اجتماعی بکشانند و به آن‌ها القا کنند که اعتراض به رژیم سرمایه‌داری که نماد آن در فیلم «توماس وین» یا همان پدر بتمن است، به جایی نخواهد رسید و آناشیسیم برآمده از احساسات مردم سرانجام کور خواهد شد.

فیلمساز، تاد فیلیپس، از ابتدای فیلم با میزاسن خاص و حرکت دوربین حول شخصیت اصلی، قصد دارد در مخاطبان حس سمپاتی نسبت به «جوکر» به ظاهر آنتاگونیست، ایجاد کند و گویی جلوه کند که انگار این شخصیت، فردی نقاب زده بر چهره‌های مخفی خودشان است؛ سپس در ادامه به تدریج «آرتور فلک» با توجه به خلقیاتش متوجه می‌شود، کشتن تنها چیزی است که به او حس مقصود، معنا و زیبایی می‌بخشد، حالتی که آرتور با یک رقص گناه به مخاطبان منتقل می‌کند. در واقع این رقص زیباشناسی حس کشتن را در مخاطب به شدت تحریک می‌کند و او را به آناشسی می‌کشاند. در پایان، وقتی پدر و مادر بروس وین کشته می‌شوند او باید مشغول ناله و زاری باشد، اما کارگردان با تراولینگ حامدانه دوربین، همه چیز را به آینده و به اعتلا رسیدن بروس وین (بتمن) واگذار می‌کند. اما برای این پروسه نجات، زمان بسیاری زیادی برای بزرگ شدن بتمن نیاز دارد. در واقع منجی این جامعه



نشریه اُسوه

دوهفته نامه سیاسی-مذهبی

صاحب امتیاز:

هیئت عاشقان تارالله

مدیر مسئول:

دبیر هیئت عاشقان تارالله

سردبیر:

سید محمد صادقی

گرافیک و صفحه آرایی:

سید محمد مهدی بازرگان

هیئت تحریریه:

میرکاظم سید اکبری

عرفان میرعالی

علی کمالی

علی اسدی جلودار

سید محمد موسوی

سید محمد صادقی

عطالله عطایی

محمد رضا صیدیان

سپهر محمودی آذر

هادی پایدار

داوود قوی

خودش را بر فرد و توده‌ها تحمیل می‌کند و قاعدتاً جوکر یسم به معنای دقیق کلمه اتفاق نمی‌افتاد.

اما جادارد در اینجا نگاهی بیندازیم به تأثیر جوکر در جهان سوم؛ مخرج مشترک با جهان سوم این است که دیگر سرمایه‌داران در اینجا نیستند اما آناشیسیم‌ها حضور دارند که تحت فشار اقتصادی و اجتماعی شورش کردند. نقش جوکر دقیقاً اینجا ظاهر می‌شود؛ کاراکتری که در ابتدای امر بی‌خاصیت است ولی توسط دستی که او را در جای خاصی قرار می‌دهد می‌تواند نقش بسیار مهمی ایفا کند. این نکته درباره جهان سوم نیز می‌تواند مصداق داشته باشد؛ اینکه دستی از بالا چنین کاراکتری را در جهان سوم برای جابجایی قدرت قرار دهد. در کشورمان، ایران، نمونه ای از تظاهرات آناشیسیتی را در آبان ۹۸ مشاهده کردیم. در این اغتشاشات، معترضان به جای فضای گفت‌وگو و آرامش، در اتمسفری هرج و مرج طلبانه و به دور از منطق نیل به اهداف خود را خواستار بودند؛ به حدی که به نظر می‌رسید شعارهای آن‌ها برخاسته از حس آرمانخواهی و عدالت طلبانه نیست بلکه جنبش‌هایی هدایت شده‌اند. این فیلم و نظایر آن نیز برای جوان ایران اسلامی نه یک الگو و اسلوب مطالبه‌گری، بلکه باید هشدار برای او تلقی گردد. در پایان باید گفت که «جوکر بینیم و عبرت بگیریم ولی جوکر نشویم».

پس از مرگ توماس وین، فرزند سرمایه‌دار اوست و این تصویر تصدیق می‌کند که جوکر فیلمی در جهت پیروزی نظام نئولیبرال آمریکاست. نئولیبرالیسم به تعبیر نظریه‌پردازان فرانکفورت، نوعی از توتالیتاریسم تمام عیار و یک ایدئولوژی تمامیت‌خواه است. این ایدئولوژی تمامیت‌خواه با منطق یکدست‌ساز خودش در راستای سلطه قشر بسیار کوچک سرمایه‌دار، در انبوه توده‌های مردم است و هر مانعی را که بر سر راه خودش ببیند با خشونت هرچه تمام‌تر سرکوب می‌کند؛ این سرکوب و خشونت با کمک ابزارهای مختلف رخ می‌دهد: رسانه‌ها، پلیس، سیستم نظامی، ارتش، نظام آموزش، تبادل نمادین و همه ابزارهای سخت و نرمی که سرمایه‌داری مدرن که شکل متأخر آن نئولیبرالیسم است توانایی بهره‌گیری از آن را دارد. اما مسئله اینجا است که فضای رئال آمریکا اساساً فضای فیلم نیست و تفاوت جنبش اجتماعی که داریم می‌بینیم با فیلم، در این است که پایان در اینجا لزوماً در دست سرمایه‌داری مدرن و لیبرالیسم نیست و فضای کاملاً رئال است که در آن فرد خشونت کف خیابان را که ناشی از نژادپرستی و تعارض طبقاتی است را از نزدیک لمس می‌کند و این با پایان فیلم که زیرکانه بخواهد به نفع سرمایه‌داری پایان یابد همسو و همراه نیست. در نهایت در ذهن مخاطب فیلم یک مقایسه رخ می‌دهد که قاعدتاً فضای واقعیت و ریالیته